

فاز اول: پیش پردازش داده

در این قسمت ما باید داده هارا پیش پردازش کنیم. در این قسمت از کتابخانه ی هضم استفاده میکنیم. با استفاده از کتاب خانه ی pandas داده هارا از فایل میخوانیم و سپس عملیات پیش پردازش را بر روی data frame اپلای میکنیم.

کار هایی که در این قسمت انجام میدهیم به شرح زیر است :

ابتدا با استفاده از تابع های هضم داده هایمان را normalize میکنیم. در این قسمت علاوه بر \r ها و \n ها هم حذف میشوند.

سپس در مرحله ی بعد از WordTokenizer استفاده میکنیم و محتوای خبر هایمان را به صورت لیستی از کلمات آن خبر در میآوریم.

در مرحله ی بعد stopWord هارا حذف میکنیم و از Lemmatizer استفاده میکنیم.

۱. در گزارش کار خود، جایگزین کردن کلمات با روش stemming یا lemmatization را توضیح دهید.

برای جایگزین کردن کلمات از دو روش stemming و lemmatization میتوانیم استفاده کنیم. این دو روش به این منظور استفاده میشود که خیلی از کلمات که حالت های نوشتاری مختلفی دارند را به ریشه ی آن کلمات تبدیل کنیم. در کل این دو روش برای ریشه یابی استفاده میشود. کلمات ممکن است پسوند هایی داشته باشند که باعث تفاوت بین کلمات شود برای مثال ما نمیخواهیم بین سه کلمه ی « لباس و لباس ها و لباس هایمان » تفاوتی قائل شویم پس آنها را به ریشه شان تبدیل میکنیم.

تفاوت میان stemmer و lemmatizer این است که stemmer معنای کلمه را در نظر نمیگیرد و درکی از آن ندارد و بر اساس تشخیصاتش کلمه را ریشه یابی میکند پس ممکن است بعضی اوقات اشتباه کند. اما lemmatizer بر اساس مجموعه ای از کلمات مرجع ریشه یابی را انجام میدهد و نیایج درست تری میدهد. اما stemmer سریع تر است.

فاز دوم: فرآیند مسئله

در این بخش ما باید با استفاده از bag of word احتمالات فیچر هایمان را محاسبه کنیم و با توجه به بیانات naive bayes تشخیص دهیم که هر خبر در کدام کلاس خبری قرار میگیرد.

۲. در گزارش کار خود، توضیح دهید که هر کدام از (evidence, likelihood prior, posterior) بیانگر چه مفهومی در این مسئله هستند و چگونه محاسبه می شوند.

ابتدا با توجه به فرمولی که برای بیز داریم که به شکل زیر میباشد :

$$P(c|x) = P(x|c)P(c)/P(x)$$

در این فرمول $P(c)$ را داریم که Class prior میباشد که نشان دهنده ای احتمال هر کلاس ما میباشد. در این مسئله احتمال هر ۶ کلاس باهم برابر است و برابر با $1/6$ است.

در ادامه $P(x)$ احتمال evidence ما میباشد که در این مسئله با توجه به بیز evidence هارا با دانستن c از هم مستقل میدانیم.

احتمال بعدی $P(x|c)$ میباید که likelihood میباید که برای محاسبه ی آن باید تعداد کلمه های تکرار شده در یک کلاس را تقسیم بر تعداد تمام کلمات آن کلاس کنیم.

و در آخر $P(c|x)$ میباید که احتمال هر کلاس به شرط فیچر ها میباید (Posterior) که با توجه به آن متوجه میشویم که خبر در کدام دسته قرار میگیرد.

۳. دو جمله مثال بزنید که یک کلمه یکسان در آنها دو معنی متفاوت داشته باشد. استفاده از bigram ها چگونه به تشخیص شدن معنی آن کلمه کمک می کند؟ آیا bigram برای تشخیص کردن معنی کلمه در مثال شما کافیهست یا نیاز به n-gram طولانی تری هست؟

باشگاه پاریسن ژرمن لیونل مسی را خرید.

در این جمله اگر از unigram استفاده کنیم با توجه به کدی که پیاده سازی کرده ایم هر کدام از کلمات این جمله را به طور جداگانه بررسی میکنیم. اگر کلمات این جمله را lemmatize کنیم کلمه ی مسی تبدیل به مس میشود چون فکر میکند که ی نکره به کلمه ی مس چسبیده است. اما اگر از bigram استفاده کنیم میتوانیم مسئله را طوری پیاده سازی کنیم که تشخیص دهد کلمه ی مسی به کلمه ی لیونل مرتبط است و مسی را lemmatize نکنیم. استفاده از bigram برای این مثال کافی است.

۴. در گزارش خود با در نظر داشتن naive bayes توضیح دهید چرا این اتفاق رخ می دهد.

باتوجه به مدل naive bayes که ما باید $P(c|x)$ را محاسبه کنیم از آنجایی که تعداد کلمه در یک کلاس را باید به تعداد تمام کلمات در کلاس تقسیم کنیم اگر در

آن کلاس حتی یک عدد از کلمه ی مورد نظر دیده نشده بود حاصل این احتمال صفر میشود. و این باعث میشود که این صفر در تمام احتمال ها ضرب شود و نتیجه ی احتمال Posterior ما صفر شود که این اشتباه است.

۵. درباره روش Additive Smoothing تحقیق کنید و با پیاده سازی آن در پروژه، این مشکل را برطرف کنید.

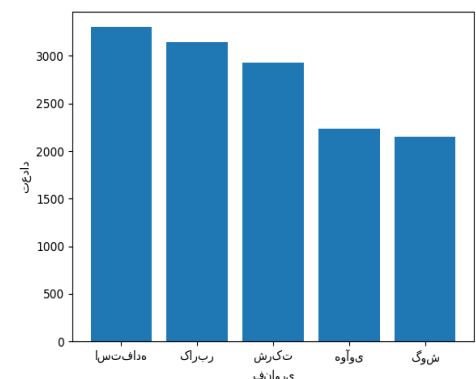
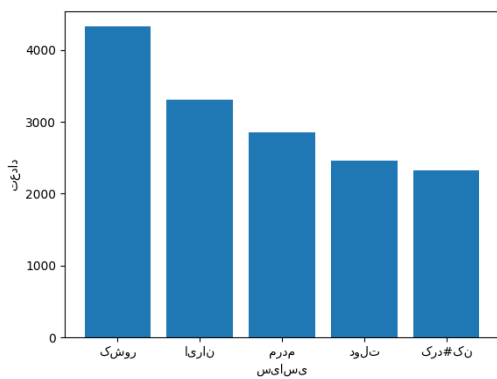
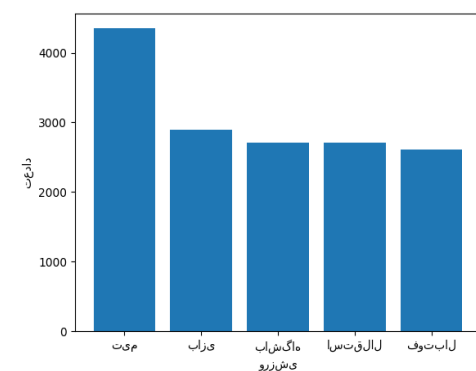
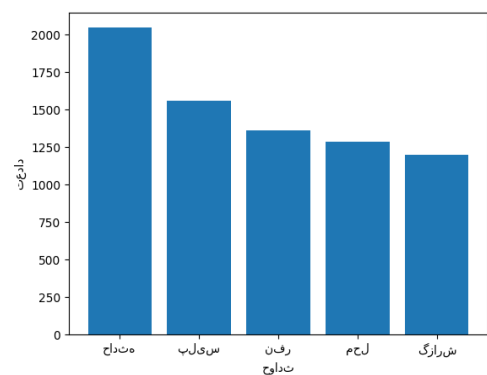
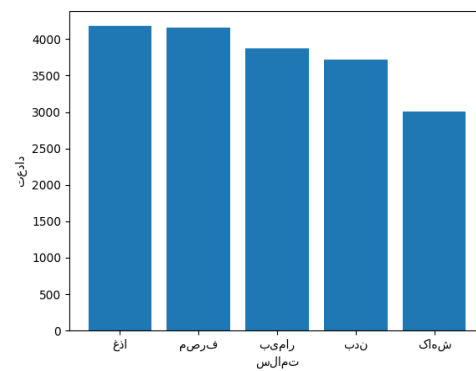
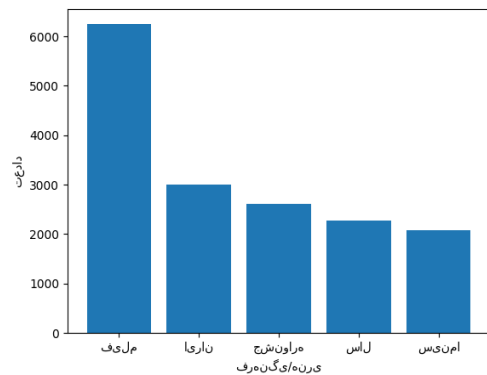
ما برای حل مشکلی که در بالا گفته شده است از Additive Smoothing استفاده میکنیم. برای آن به جای اینکه تعداد کلمات دیده شده در یک کلاس را تقسیم بر تعداد تمام کلمات دیده شده در آن کلاس کنیم به شکل زیر عمل میکنیم:

$$\begin{aligned}\hat{P}(w_i | c) &= \frac{\text{count}(w_i, c) + 1}{\sum_{w \in V} (\text{count}(w, c) + 1)} \\ &= \frac{\text{count}(w_i, c) + 1}{\left(\sum_{w \in V} \text{count}(w, c) \right) + |V|}\end{aligned}$$

این فرمول به شکلی است که صورت را به علاوه ی یک میکنیم و مخرج را به علاوه تعداد کلمه های یونیک در آن کلاس میکنیم (V). با اینکار دیگر هیچ وقت با صفر مواجه نمیشویم.

بررسی صحت

۶.



فاز سوم: ارزیابی

در این قسمت یک سری از معیار هارا محاسبه میکنیم.

۷. در گزارش کار خود توضیح دهید که چرا مقدار **Precision** و **Recall** هر کدام به تنهایی برای ارزیابی مدل کافی نیست؟ برای هر کدام مدلی را مثال بزنید که در آن، این معیار مقدار بالایی دارد ولی مدل خوب کار نمی کند.

به تنهایی استفاده از **precision** یا **recall** کافی نمیباشد و ممکن است نتیجه ی درستی نگیریم. دلیل آن این است که اگر برای مثال **precision** ما کم باشد این یعنی تقسیم تعداد خبر های درست تشخیص داده شده بر تمام خبر هایی که در آن کلاس تشخیص داده شده اند مقدارش کم است. پس اگر این اتفاق بیفتد امکان دارد که **recall** ما زیاد باشد. پس در صورت زیاد شدن تشخیص های اشتباه خبرها در یک کلاس ممکن است باعث شوند که **recall** و **precision** با هم همخوانی نداشته باشند. از طرفی دیگر کم بودن **recall** ممکن است باعث شود با **precision** فاصله بگیرد و مقدار **precision** بیشتر از آن باشد.

برای مثال اگر **Correct Detected Class** های یک کلاسمان 50 باشد و **All Detected Class** ما 400 باشد **precision** ما کم میشود در صورتی که اگر **Total Class** ما 60 باشد **recall** ما بالا میشود و اختلاف واضح است.

مثالی دیگر اگر **Correct Detected Class** های ما 50 باشد و **Total Class** ما 400 باشد **recall** ما کم میشود در صورتی که اگر **All Detected Class** ما 60 باشد پس **precision** ما زیاد میشود و اختلاف واضح است.

۸. در گزارش کار خود توضیح دهید معیار F1 از چه نوع میانگین گیری بین Precision و Recall استفاده می کند؟ تفاوت آن نسبت به میانگین گیری عادی چیست و در اینجا چرا اهمیت دارد؟

معیار F1 یک میانگین هارمونیک بین دو معیار precision و recall میباشد. این میانگین به شکلی میباشد که به سمت اعداد کوچک تر تمایل دارد و اهمیت اعداد کوچکتر بیشتر میباشد. F1 همیشه از میانگین عادی کوچک تر میباشد. اگر بخواهیم مثال بزنیم اگر p ما صفر و r ما 20 باشد حاصل به شکل زیر میشود.

$$F1 = 2 * (p * r) / (p + r) = 0$$

۹. در گزارش کار خود، سه حالت میانگین گیری macro و micro و weighted را شرح دهید.

در این بخش ۳ میانگین گیری داریم که macro میانگین F1 ها میباشد و micro همان accuracy میرا شد و weighted میانگین وزن دار F1 ها میباشد.

۱۰. در گزارش خود، معیارها را به ازای هر دو حالت زیر به دست آورید (نمونه ای از معیارهایی که باید گزارش کنید در ادامه آمده است. توجه کنید که این فقط یک مثال از نحوه ارائه نتایج است).

الف. نتایج بدون استفاده از Additive Smoothing

----- فناوری -----

precision : 0.34615384615384615

recall : 0.16071428571428573

F1 : 0.21951219512195125

----- ورزشی -----

precision : 0.30111524163568776

recall : 0.4263157894736842

F1 : 0.3529411764705883

----- حوادث -----

precision : 0.25971370143149286

recall : 0.635

F1 : 0.3686502177068215

----- سلامت -----

precision : 0.4672897196261682

recall : 0.2824858757062147

F1 : 0.35211267605633806

----- سیاسی -----

precision : 0.6287878787878788

recall : 0.415

F1 : 0.5

----- فرهنگی/هنری -----

precision : 0.7

recall : 0.15555555555555556

F1 : 0.2545454545454545

Accuracy : 0.35515695067264574

Micro : 0.35515695067264574

Macro : 0.34129361998352564

Weighted : 0.32328030033648114

ب. نتایج با استفاده از Additive Smoothing

----- فناوری -----

precision : 0.9573170731707317

recall : 0.9345238095238095

F1 : 0.9457831325301205

----- ورزشی -----

precision : 0.9837837837837838

recall : 0.9578947368421052

F1 : 0.9706666666666667

----- حوادث -----

precision : 0.8976744186046511

recall : 0.965

F1 : 0.9301204819277108

----- سلامت -----

precision : 0.9825581395348837

recall : 0.9548022598870056

F1 : 0.9684813753581661

----- سیاسی -----

precision : 0.9009433962264151

recall : 0.955

F1 : 0.9271844660194173

----- فرهنگی/هنری -----

precision : 0.9580838323353293

recall : 0.8888888888888888

F1 : 0.9221902017291066

Accuracy : 0.9434977578475336

Micro : 0.9434977578475336

Macro : 0.9440710540385314

Weighted : 0.9394320993586038

۱۱. در گزارش خود، مقادیر بدست آمده در بخش قبل را تحلیل کنید.

باتوجه به نتایج میفهمیم که با استفاده از additive smoothing نتیجه ی بهتری میگیریم. دلیل آن در قسمت های قبل گفته شده است.

۱۲. در گزارش خود ۵ مورد از خبرهایی که در داد هی تست هستند و مدل شما دسته اشتباهی برای آن ها تشخیص داده است بیاورید. به نظر شما چه بخش یا بخش هایی از راه حلی که پیش گرفتیم باعث شده این موارد اشتباه تشخیص داده شوند؟

-1

چهارشنبه اول تیر 1401 اتفاق نادر و جالبی رخ داد که قطعاً به صورت تصادفی و بدون برنامه‌ریزی و اطلاع قبلی بوده است: این که به شکل کاملاً همزمان در محل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران از رونمایی شد و در صداوسیما و در جمع معاونان سازمان هم از کلیات «» . اگرچه سه واژه در هر دو مشترک‌اند اما هیچ ربط و شباهتی به هم ندارند. چرا که در اولی منظور از سند است و در دومی سند (در حالی که به تعبیر دکتر وب2 را هم پشت سر گذاشته و به زودی وارد وب3 خواهیم شد) و خود رادیو و تلویزیون دیگر رسانه مدرن نیست و به تعبیری رسانه تلویزیون در معنی عام و جهانی نه مشخصاً صدا و سیما هر چند در ایران همچنان رایج‌ترین و گسترده‌ترین امکان وقت‌گزانی و ارتباطی است. (رایگان از جهت پرداخت حق اشتراک و گرنه بودجه آن از جیب ملت تأمین می‌شود). در اولی منظور از رسانه واقعاً رسانه است. یعنی بدون بودجه حکومتی و مخاطب‌محور و در دومی به جز تعبیر «رسانه ملی» در باقی موارد ترجیح می‌دهند از مفاهیم ایدیولوژیک استفاده کنند و آن را در واقع عرصه جنگ می‌دانند یا با واژه های جنگ و قرارگاه حجم عظیم پرسنل و بودجه های کلان و انحصار و جنگ انداختن به شبکه نمایش خانگی را توجیه می‌کنند. در اولی، مراد از واژه ملی واقعاً ملی است چون معطوف به ایران است و در دومی مراد از ملی معطوف به نظام سیاسی است و گرنه اگر ملی بود به زبان ملی، سینمای ملی، موسیقی ملی و مانند اینها بها می‌داد نه آن که چندان که در نوشته‌ای آمد آیین اولی دور از هر وابستگی دولتی و حکومتی و شایبه تبلیغاتی و در حضور چهره‌های شاخص رسانه‌ای و استادان شاخص ارتباطات و با معیارهای کاملاً حرفه‌ای و جهانی و شناخته‌شده برگزار شد و دومی اگر چه ذیل عنوان «رسانه ملی» اما با اهداف سیاسی و ایدیولوژیک و جدای معیارهای شناخته شده رسانه‌ای و می توان حدس زد بی‌حضور عالمان این رشته و در نشستی کاملاً اداری هر چند محتمل است برخی از معاونان تحصیلات مرتبط داشته باشند اما به این صفت حاضر نبودند. این اتفاق نمادین اما نشان‌دهنده ریشه مشکل رسانه‌ها در ایران هم هست و آن هم نگاه غیر علمی به موضوع رسانه در عرصه رسمی و برخوردار از بودجه‌های کلان چند هزار میلیارد تومانی در سال

و با قریب 50 هزار کارمند است حال آن که آن طرف با انواع محدودیت‌ها و مضیقه‌ها دست به گریبان است و چرخ اقتصاد نحیف آن با یارانه هم نمی‌گردد. جدای این زبان مشترک را هم دچار اختلال می‌کند. چون ما از سه واژه سند و رسانه و ملی یک مراد داریم و کارمندان اداره سازمانی به نام صدا و سیما که همه باید حول این 12 محور فعالیت کنند یک منظور. حاصل این چالش و کشاکش البته این شده که مردم هم از رسانه‌های چاپی و کاغذی روی‌گردان شده‌اند تا جایی که ایران به پایین‌ترین نرخ روزنامه‌خوانی در جهان – بله در جهان – سقوط کرده و هم از اخبار صداوسیما تا جایی که برای اثبات مُردن حسین عبدالباقی ناچار شدند کشوی سردخانه را باز کنند و بگویند ایهاالناس! باور کنید این جنازه متعلق به مالک و سازنده متروپل آبادان است و ما دروغ نگفتم هر چند روز دیگر گرفتار یک اقتضاح یا رسوایی دیگر شدند. این که به جای کارشناس واقعی به کارمند خودشان گفته بودند انگلیسی حرف بزن و بنده خدا وسط ماجرا با فارسی حرف زدن لو داد! نویسنده این سطور، خود یکی از سخنرانان و حاضران نشست رونمایی از سند ملی رسانه در محل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران بود اما از استادان ارتباطات خصوصا دکتر محسنیان‌راد بسیار آموخت و همین مقدمه سند را با موازین حرفه‌ای بسیار منطبق یافت و می‌توان پیش‌بینی کرد متن کامل و مفصل آن که حاصل چند گزارش تخصصی پژوهشی است کاری بسیار درخور باشد. در آن طرف هم آقای پیمان جبلی 12 محور تحول در محتوای برنامه‌های صدا و سیما را به این شرح اعلام کرده است: هر قدر ادبیات سند ملی رسانه (روزنامه‌نگاران) عاری از مفاهیم سیاسی و ایدیولوژیک و کاملا منطبق با علوم ارتباطات و نظریات مدرن رسانه‌ها و مبتنی بر مشاوره‌های برجسته‌ترین استادان ارتباطات و روزنامه‌نگاری است سند تحول صدا و سیما پر است از نگاه ایدیولوژیک و سیاسی و بسیار دور از مفاهیم تخصصی رسانه‌ای و آدم را بیشتر یاد اهداف سازمان تبلیغات اسلامی می‌اندازد. اگر صدا و سیما یک دستگاه وسیع و حجیم تبلیغاتی - پروپاگاندایی است نقدی به رویکرد صدا و سیما نیست اما چرا اصرار دارند خود را ذیل عنوان «رسانه ملی» توصیف کنند؟ حال آن که این دو واژه تعاریف خاص خود را دارد. طبیعی است که آقای جبلی مأموریت دارد این سازمان را با این اهداف متحول کند اما این محورها به علم رسانه چه ارتباطی دارند و چگونه می‌توانند با رسانه‌های دیگر رقابت یا مقابله کنند؟ عین این 12 محور را سازمان تبلیغات اسلامی هم می‌تواند اعلام کند و بر این اساس می‌توان پیش‌بینی کرد چنانچه این اهداف محقق شود سازمان صدا و سیما به سازمان تبلیغات اسلامی تبدیل خواهد شد و هر قدر آن سازمان موفق بوده این سازمان هم موفق خواهد بود. (البته به لحاظ اداری و سازمانی در واقع شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی. منظور تشکیلات تبلیغاتی است نه یک عنوان خاص). منتها سازمان تبلیغات در طول سال با تعداد شرکت‌کنندگان در چند راهپیمایی مهم و سراسری و نوع برنامه‌یزی برای آنها یا جشن‌های دهه

فجر ارزیابی می‌شود حال آن که سازمان صدا و سیما لحظه به لحظه زیر ذره بین مخاطبان داخلی و خارجی است و قاعدتا باید با مدل‌های رسانه‌ای برنامه‌ریزی شود نه تبلیغاتی. اگر سه کارکرد مهم صدا و سیما را بدانیم چنان که طی 43 سال گذشته و از زبان رؤسای مختلف سازمان بارها اعلام شده مشخص نیست کدام یک از این 12 محور به اطلاع‌رسانی و سرگرمی و حتی آموزش معطوف است؟ مگر آن که آن سه رویکرد مربوط به ماقبل‌سند بوده باشند و من بعد قرار است از این قرار باشد. اگر قرار بر تحولی این گونه است و با این اوصاف شاید بهتر باشد که صدا و سیما در سازمان تبلیغات اسلامی ادغام و نام آن به صدا و سیما و تبلیغات رسمی تغییر یابد چرا که هر چه باشد دیگر رسانه نخواهد بود آن هم از نوع ملی. کما این که فوتبال، باید فوتبال باشد حتی وقتی برای کمک به زلزله‌زده‌ها و دوستانه بازی می‌کنند نمی‌توان گفت چون دوستانه است بازیکنان می‌توانند با دست، توپ را لمس کنند. چون آن وقت دیگر فوتبال نیست و هندبال است. با این سند تحول هم صدا و سیما سازمان تبلیغات می‌شود. البته این 12 رویکرد اگر محور شبکه افق یا برخی شبکه‌ها باشد مرتبط و خیلی هم منطقی است اما مشخص نیست چگونه می‌توان تمام صدا و سیما را ذیل آن برد؟ هر چند برخی معتقدند اگر قرار بر تحول با سند تحول بود آموزش و پرورش باید خیلی زودتر با سند تحول متحول می‌شد یا دانشگاه‌ها که مدام در حال تحول آنها هستند و چندان نباید جدی گرفت. روی کاغذ می‌نویسند و در عمل واقعیت‌ها خود را تحمیل می‌کنند. نیکولو ماکیاولی در توصیه به شهریار می‌گفت پیمان‌ها برای شکسته شدن بسته می‌شوند. به این سیاق می‌توان گفت سندهای تحول هم برای متحول نشدن نوشته می‌شوند! آنتن صدا و سیما با این همه کانال و هزینه به خوراک‌های متنوع نیاز دارد و صبح تا شب که نمی‌توان به غرب فحش داد و تبلیغ مذهبی پخش کرد. طالبان اگر توانستند با ساز و کاری دیگر بود: تعطیل کردند! چنان که در آغاز گفته شد تقارن عجیب این بود که درست در همان ساعتی که پیمان جبلی در جمع معاونان صدا و سیما از سند تحول در سازمان متبوع با رویکرد تمام ایدیولوژیک رونمایی می‌کرد استاد راهنمای پایان‌نامه او بر ضرورت به کارگیری معیارهای حرفه‌ای رسانه‌ای در سند ملی رسانه در جمع روزنامه‌نگاران پای می‌فشرد تا مشخص شود تفاوت نگاه از زمین تا آسمان است. این یادداشت را به سه پرسش به پایان می‌برم: اول: آیا پیش‌بینی می‌کنند اگر تمام شبکه‌های صدا و سیما از مضامینی چون «عدالت‌گستری، روایت پیشرفت همه‌جانبه جامعه ایرانی، ایثار، مقاومت شهادت و توسعه سبک زندگی ایثارگرانه، سبک زندگی و خانواده با محوریت سبک زندگی انقلابی، هنر انقلاب با معرفی شایسته آثار برجسته، نقد غرب و هجو غربزدگی، تقویت هویت جهانی امتی با بازنمایی قدرت نرم ایران اسلامی در جهان، روایت جوان مومن انقلابی با نگاه پیشرفت آینده، الگوی زن انقلاب اسلامی، مقابله با جریان ارتجاع و تطهیر پهلوی، روایت هوشمندانه و صحیح تاریخ اسلام و ایران، بسط الگوی

حکمرانی مردمی با بازخوانی نهادهای مردمی - انقلابی» پر شود شمار مخاطبان و اعتبار این سازمان افزایش می‌یابد؟ (اگر زیاد کند تمام این نوشته را پس می‌گیرم). دوم: صدا و سیما ذیل عنوان رسانه قابل تعریف است یا قرارگاه فرهنگی یا سازمان تبلیغات اسلامی و اگر نمی‌خواهد رسانه باشد چرا در سازمان‌های دیگر ادغام نشود؟ پرسش سوم اما مهم‌تر این است: چرا سُرنا را از سر گشاد آن می‌نوازید؟ این که مردم پای ب صدا و سیمای ایدیولوژیک مثل با اجرای ، با ، با ، با و مانند آن در ساعات پربیننده شب بنشینند آنان را از شبکه‌های فارسی زبان ماهواره‌ای دور می‌کند یا اگر مدام برنامه‌های ایدیولوژیک پخش کنید تا افراد، قید داخل را بزنند و بروند سراغ آن طرفی‌ها؟ آنچه با نگاه رسانه‌ای - امنیتی با هوش‌مندی می‌فهمید و مدیران دیگر سازمان کمتر می‌فهمند این است که غیرایدیولوژیک‌ترین برنامه صداوسیما مثل برنامه‌های مدیری و فردوسی‌پور چون مردم را پای تلویزیون جمهوری اسلامی می‌نشانند و از من‌وتو و ایران اینترنشنال دور می‌کند به نفع جمهوری اسلامی است اما ایدیولوژیک‌ترین و شعاری‌ترین آنها چون سبب می‌شود مخاطب عام کانال را تغییر دهد به سود رقباست! یکی از این محورها است اما وقتی برنامه سرگرم‌کننده نداشته باشید و مردم را به من‌وتو سوق دهید از این فرصت بهره می‌برند و با مستندهای خود به تظہیر می‌پردازند و در واقع نقض غرض می‌شود. (نمی‌دانم می‌توانم مظلوم را برسانم یا نه! چه کنیم زبان مشترک مختل شده است.) سال 88 در سفر به هرات افغانستان وقتی مجری مراسم مدام به تعداد روزنامه‌ها و آزادی آنها می‌بالید تا به روزنامه‌های ایران و روزنامه‌نگاران میهمان طعنه بزند که دست‌شان زیر ساطور بود یکی از همکاران روزنامه‌نگار خانم - که شوربختانه بعدتر کوچید و رفت- در واکنش گفت: وقتی 70 درصد مردم سواد نداشته باشند یا روزنامه نخوانند چه تفاوت دارد که این تعداد روزنامه داشته باشید یا نه! حالا حکایت صدا و سیما و سند تحول آقای جلی است. اگر دوشنبه شب خلق‌الله پای نود بنشینند می‌توانید چند تا شعار ایدیولوژیک را هم زیرنویس کنید و قبل و بعد آن مفاهیمی را به خورد خلق‌الله بدهید اما وقتی نود را حذف می‌کنید و آن پسر هر قدر هم تلاش کند نتواند جای عادل را بگیرد بیننده عام یک دگمه را فشار می‌دهد و در همان ساعت پای شبه نود مزدک میرزایی در ایران اینترنشنال می‌نشیند و آن وقت آنها هستند که به افکار عمومی جهت می‌دهند. تمام ظرافت سیاسی، فرهنگی و امنیتی و نگو رسانه‌ای در همین است. این را خیلی خوب می‌فهمید و شنیدم هر وقت به قم می‌رفت و عالمی انتقاد می‌کرد که چرا در فلان سریال مثلاً حجاب خانم کامل نیست یا وعظ و خطابه کم پخش می‌کنید توضیح می‌داد حاج آقا! حالا مثل قبل نیست. اگر بخواهیم فقط شما را نشان بدهیم آن وقت تلویزیون را خاموش می‌کنند. اما اگر برنامه سرگرم‌کننده داشته باشیم هم آن را می‌بینند هم شما را!

برچسب خبر : فرهنگی/هنری

برچسب تشخیص داده شده : سیاسی

-2

اعتراض گسترده کاربران توییتر به اظهارات وزیر امور خارجه آمریکا هشتگ انگلیسی پرشین گلف (خلیج فارس) را در توییتر ترند کرد. به گزارش خبرآنلاین، رکس تیلسون وزیر امور خارجه آمریکا در اظهارات اخیرش با به کار بردن واژه‌ای مجعول به جای خلیج فارس موجی از اعتراضات را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخت. بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی به ویژه توییتر برای اعتراض به این موضوع از هشتگ انگلیسی «PersianGulf» استفاده کردند. همین موضوع سبب شد که این هشتگ مدتی در توییتر ترند شود.

برچسب خبر : فرهنگی/هنری

برچسب تشخیص داده شده : ورزشی

-3

وکیل مدافع نازنین زاغری متهم ایرانی - بریتانیایی از برگزاری دادگاه و اعلام ختم رسیدگی به دومین پرونده موکلش به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی خبر داد.

برچسب خبر : سیاسی

برچسب تشخیص داده شده : حوادث

"در بحبوحه افزایش درخواست‌ها برای حذف تایم لاین (انتشار پست‌ها بر اساس ترتیب زمانی) حساب شخصی دونالد ترامپ به دلیل توثیقات‌های جنجالی‌اش، توییتر اعلام کرد که حساب توییتری هیچ رهبر جهان را مسدود و یا "توثیقات‌های جنجالی‌اش" را حذف نمی‌کند. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، شبکه اجتماعی توییتر اعلام کرد که این شبکه اجتماعی برای خدمت رسانی و کمک به توسعه ارتباطات عمومی و جهانی تاسیس شده است. بنابراین هیچ محتوایی را از رهبران منتخب جهان حذف نمی‌کند. این اظهارات پس از آن منتشر شد که در پی هشدار کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی در سخنرانی سال نوی میلادی به آمریکا مبنی بر اینکه همواره دکمه سلاح هسته‌ای روی میزش آماده فشار دادن است، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در توییتر اعلام کرد که دکمه هسته‌ای او خیلی بزرگتر و قدرتمندتر از دکمه هسته‌ای رهبر کره شمالی است که این مساله واکنش گسترده‌ای در جهان ایجاد کرد. پس از بحث‌های بسیار درباره چهره‌های سیاسی و رهبران جهان در توییتر، شبکه اجتماعی توییتر در وبسایت خود نوشت: این شبکه برای خدمت رسانی و کمک به توسعه ارتباطات عمومی و جهانی تاسیس شده است. به نوشته توییتر در وبسایتش، رهبران منتخب جهان به دلیل تاثیر بسزای آنها در جوامع، نقش مهمی در این ارتباطات جهانی دارند. مسدود کردن حساب یک رهبر جهان در توییتر و یا حذف توثیقات‌های جنجالی‌اش می‌تواند باعث شود که مردم اطلاعات مهمی را که باید آنها را دیده و درباره آنها بحث و تبادل نظر کنند، پنهان کنند. توییتر اعلام کرد: همچنین این شبکه اجتماعی به دنبال وادار کردن رهبران به سکوت نیست. کسی نمی‌تواند بر تصمیمات توییتر تاثیر بگذارد. توییتر افزود: ما بسیار تلاش می‌کنیم با در نظر گرفتن منافع عمومی جانبدارانه رفتار نکنیم."

برچسب خبر : فناوری

برچسب تشخیص داده شده : سیاسی

وکیل مدافع نازنین زاغری از برگزاری آخرین جلسه رسیدگی به اتهام موکل خود خبر داد. حجت کرمانی در گفت‌وگو با ایلنا، در تشریح جلسه امروز دادگاه نازنین زاغری، اظهار کرد: جلسه رسیدگی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی و با حضور نماینده دادستان برگزار شد. وکیل مدافع نازنین زاغری افزود: آخرین دفاع در کمال آرامش اخذ شد و ختم رسیدگی اعلام شد. منتظر صدور حکم خواهیم بود.

برچسب خبر : سیاسی

برچسب تشخیص داده شده : حوادث

--- بعضی از کلمات در همه ی کلاس ها پرتکرار هستند که باعث وجود مشکل میشود از طرف دیگر روش هایی که ما استفاده کرده ایم مفهوم بعضی از کلمات را در نظر نمیگیرد و به اشتباه آنها را تغییر میدهد برای مثال مسی و طارمی در آخر به مس و طارم تغییر پیدا میکنند.